

تحلیل راهبردی

به مناسبت چهارمین سالگرد صدور بیانیه گام دوم انقلاب توسط مقام معظم رهبری

«اقتصاد» به عنوان محور توصیه‌های هفت‌گانه برای تحقق «بیانیه گام دوم»

و تبیین جایگاه «بخش خصوصی» در این عرصه

با توجه به «وضع مطلوب» و «دوران گذار»





<https://hosseinhandisheh.ir>

 @HossinieHandisheh

تماس با کارشناسان: ۰۹۱۲۷۵۰۲۹۹۴ – ۰۹۱۲۶۱۸۱۲۵۸

ارتباط از طریق پیام‌رسان‌ها: ۰۹۱۹۸۲۸۶۹۶۴

۱. اشاره به تحلیل بیانیه گام دوم بر اساس «امتداد دو گانه اسلام - استکبار در سرفصل های هفت گانه (موضوعات اداره کشور)»

در چهارمین سالگرد صدور بیانیه‌ی گام دوم هستیم؛ بیانیه‌ای که می‌خواهد مسیر چهل ساله‌ی آینده انقلاب را روشن کند. البته یک‌دهم از این زمان گذشته است. لذا لازم است که دقت بیشتری برای ادامه‌ی راه و تحقق این بیانیه‌ی مهم داشته باشیم. در مباحث و تحلیل‌های قبلی حسینیة اندیشه پیرامون بیانیه گام دوم، بیان شد انقلاب اسلامی در گام اول توانست «دوگانه‌ی شرق و غرب مادی» را به «دوگانه‌ی اسلام و استکبار» تبدیل نماید. بر این اساس در گام دوم، باید «دوگانه‌ی اسلام و استکبار» در هفت سرفصلی که مقام معظم رهبری در بیانیه از آنها نام بردند، امتداد پیدا کند.

۲. اولویت بخشی مقام معظم رهبری به «اقتصاد» از میان سرفصل های هفت گانه

به نظر می‌رسد این هفت سرفصل را می‌توان در عنوان «موضوعات اصلی اداره کشور» جمع‌بندی کرد؛ گرچه بدلیل فشار دشمن و تصریح مقام معظم رهبری، مهمترین و اولویت‌دارترین سرفصل‌ها، موضوع اقتصاد است. بر این اساس باید توجه داشت در بین اهالی اقتصاد اسلامی و اهالی گفتمان انقلاب در عرصه اقتصاد، تقریباً این اجماع وجود دارد که از مظاهر استکبار و جاهلیت مُدرن در اقتصاد، «محوریت بخش خصوصی» است. البته منظور، حذف بخش خصوصی از اقتصاد نیست بلکه انکار «محوریت» بخش خصوصی است؛ همان چیزی است که باعث می‌شود قله‌های ثروت در کنار دره‌های فقر شکل بگیرد که مطرود رهبری معظم است. لذا ایشان فرمود ما نمی‌خواهیم به سمت وال‌استریت ایرانی که دره‌های فقر، در کنار قله‌های ثروت درست می‌کند، حرکت کنیم.^۱ به نظر می‌رسد یکی از مهمترین عوامل وال‌استریت ایرانی، محوریت بخش خصوصی است که با تمرکز ثروت، قله‌های ثروت را ایجاد می‌کند. این درک از بخش خصوصی تقریباً مورد اجماع اندیشمندان انقلابی در عرصه‌ی اقتصاد است.

۳. تحلیل علت «محوریت بخش خصوصی» در بیانات اخیر رهبری

اما در صحبت‌های اخیر مقام معظم رهبری با کارآفرینان (۱۴۰۱/۱۱/۱۰)، ایشان بر محوریت بخش خصوصی برای حل مشکلات اقتصادی و تولید در ایران تأکید کردند که در این باره باید دقیق‌تر بحث کرد تا ادامه‌ی مسیر روشن‌تر شود. مهمترین سؤالی که ممکن است بوجود آید این است که اگر گام دوم، امتداد جریان اسلام و استکبار در هفت سرفصل اداره کشور است، پس چرا ایشان به بخش

۱. مقام معظم رهبری: «حالا فرض کنید ما می‌خواهیم وابسته باشیم و از لحاظ سیاسی مشکلی در وابسته بودن نمی‌بینیم؛ کما اینکه الان بعضی‌ها صریحاً همین حرف را می‌زنند؛ کشوری تک‌محصول - تقریباً مثل الان - متکی به نفت و خام‌فروشی؛ کشوری از لحاظ فرهنگی رها شده؛ کشوری مبتلا به گسست‌های اجتماعی، گسست‌های قومی، گسست‌های دینی و مذهبی، گسست‌های سیاسی؛ کشوری با حاکمیت اشرافی، با قله‌های ثروت از قبیل آنچه در آمریکا [وجود دارد] - وال‌استریت ایرانی - در مقابل فقر و محرومیت عده‌ی کثیری؛ کشوری با این خصوصیات و این جور چیزی می‌خواهیم. در آمریکا طبق همین اخبار آشکار، هوا که گرم می‌شود، عده‌ای از گرما می‌میرند؛ خب از گرما که در خانه‌ها کسی نمی‌میرد؛ این یعنی بی‌خانمانی، یا وقتی سرما می‌شود از سرما کسان زیادی می‌میرند - که آمارهایش گاهی از دستشان در می‌رود و گفته می‌شود و خیلی اوقات هم گفته نمی‌شود - این یعنی بی‌خانمانی. در کشوری با آن ثروت - آمریکا کشور ثروتمندی است - این معنایش این است که قله‌هایی وجود دارد و در کنار این قله‌ها دره‌های بدبختی و نابسامانی و فقر و محرومیت وجود دارد.» ۱۳۹۵/۳/۲۹

خصوصی که مظهر استکبار نظام سرمایه‌داری در اقتصاد است، تکیه کردند!؟

در پاسخ می‌توان سیاست رهبری معظم را به عملکرد حضرت امام (ره) در برخورد با ارتش تشبیه کرد؛ امام خمینی (ره) با این که می‌دانست ارتش شاهنشاهی، سازمانی است که توسط آمریکا پایه‌گذاری شده و چه مفاسدی از آن ایجاد شده است اما با انحلال آن مخالفت کرده و در جنگ تحمیلی نیز نقش مؤثری بعهده آن گذاشت. علت این کار حکیمانه حضرت امام (ره) این بود که اولاً بخش زیادی از بدنه ارتش، مردم مؤمن ایران بودند که به ناچار در فضای طاغوت قرار گرفته‌اند. ثانیاً در ابتدای انقلاب نهاد ساختاریافته و منظمی که بتواند برای دفاع از کشور جایگزین ارتش بشود، وجود نداشت.

به نظر می‌رسد امروز نیز در جنگ اقتصادی همه‌جانبه، همین مسئله در بخش خصوصی وجود دارد؛ یعنی عمده‌ی بخش خصوصی فعلی، نیروهای متدینی هستند که با انگیزه‌ی کمک به کشور در حال فعالیت اقتصادی می‌باشند. رهبری نیز اشاره کردند که بسیاری از فعالان اقتصادی، علی‌رغم اینکه می‌توانند پولشان را در بانک بگذارند و از سود آن استفاده کنند اما برای کمک به کشور، سرمایه خود را به عرصه‌ی تولید آورده‌اند. از سوی دیگر، قصورها و تقصیرهای نخبگان انقلابی از حیث عملی و نظری نیز باعث شده که هنوز یک نهاد ساختاریافته و مردمی برای تولید ثروت در مقابل بخش خصوصی درست نشده باشد. لذا خیلی طبیعی است کسی که رهبری جامعه اسلامی در این جنگ اقتصادی را عهده دارد و جهت‌گیری انقلاب و تحقق اسلام در عمل و عینی شدن آرمان‌ها بدست اوست، به این وضعیت عینی توجه کند و به نهاد موجود ساختاریافته‌ای که فعلاً جایگزین ندارد و نیروهای مومن و سالمی نیز در آن فعال هستند، تکیه کند.

البته باید توجه داشت در بسیاری از بیانات رهبری معظم، تأکید بر بخش خصوصی و عدم محوریت بخش دولتی، به دلیل مشارکت مردم در اقتصاد و مردمی شدن این عرصه است،^۲ در حالی که بخش خصوصی، در نگاه فنی و تعریف اقتصادی متداول در جهان، بمعنای حاکمیت کارتل‌ها و شرکت‌های بزرگ بین‌المللی بر سرنوشت کشورهاست. لذا تفاوت جدی‌ای بین این دو نگاه وجود دارد. بنابراین همان‌طور که مدت زمانی طول کشید تا یک عقلانیت جدیدی در عرصه‌ی جنگ تحمیلی شکل بگیرد و مدیریت جنگ را عهده‌دار شود، در این جنگ اقتصادی نیز باید به مرور زمان، غیر از بخش خصوصی، یک عقلانیت نوین و بالتبع یک نهاد مردمی جدیدی ایجاد شود و تولید ثروت را بدست بگیرد. تا زمانی که نخبگان و عناصر انقلابی نتوانند این کار را انجام دهند، تکیه به بخش خصوصی برای یک «رشد سریع و مستمر»^۳، کاملاً معقول است.

۲. مقام معظم رهبری: «نکته‌ی پنجم، مردم‌محوری است که در این سیاستها ملاحظه شده. تجربه هم به ما نشان می‌دهد، بیانات و معارف اسلامی هم تأکید می‌کند که هر جا مردم می‌آیند دست خدا هم هست. *يُدُّ اللّٰهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ*؛ هر جا مردم هستند، عنایت الهی و کمک الهی و پشتیبانی الهی هم هست؛ نشانه و نمونه‌ی آن، دفاع هشت‌ساله، نمونه‌ی آن خود انقلاب، و نمونه‌ی آن گذر از گردنه‌های دشوار این ۳۵ سال [است] چون مردم در میدان بودند، کارها پیش رفته؛ ما در زمینه‌ی اقتصادی به این کمتر بها دادیم. سیاست‌های اصل ۴۴ را که ما تصویب کردیم و ابلاغ کردیم، برای همین بود؛ البته حق آن چنان‌که باید و شاید ادا نشد. من در همین‌جا همان سالها، در جلسه‌ی با مسئولین راجع به سیاستهای اصل ۴۴ صحبت کردم؛ مورد تصدیق همه بود؛ در عمل هم کارهایی انجام گرفت که بایستی شکرگزار بود، لکن آنچنان که حق آن سیاستها بود عمل نشد. ما بایست به مردم تکیه کنیم، بها بدهیم؛ مردم با امکاناتشان باید بیایند در وسط میدان اقتصادی.» ۱۳۹۲/۱۲/۲۰.

۳. مقام معظم رهبری: «ما احتیاج داریم به رشد سریع و مستمر؛ علت هم این است که عقب‌افتادگی داریم... طبعاً جبران این عقب‌ماندگی کار آسانی نیست؛ این طبعاً محتاج یک رشد مستمر پی‌درپی اقتصادی است در میان‌مدت؛ حالا بلندمدت نگوئیم. یعنی مثلاً ما اقلأً هفت، هشت ده سال بایستی تلاش را پیگیر کنیم، متمرکز کنیم و با شرایط لازم پیش برویم.» ۱۴۰۱/۱۱/۱۰.

۴. اشاره به چند قید مهم و اساسی برای بخش خصوصی در بیانات اخیر رهبری؛ برخلاف معنای رایج از بخش خصوصی

البته ایشان در همین بیانات اخیر، قیدهای روشنی را برای بخش خصوصی مطرح می‌کنند. همان‌طور که حضرت امام(ره) وقتی به ارتش مسئولیت داد، نقش‌آفرینی آنان در جنگ را در چارچوب دکترین‌های دفاعی متداول نپذیرفت و عملاً مطالباتی مطرح کرد و فضایی ایجاد نمود که فعالیت ارتش، مشروط به توازن سخت‌افزاری و توانمندی در ابزار نظامی نباشد. یعنی عدم توازن سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و عدم توازن نظامی متناسب با ارتش عراق (که شرط لازم برای طراحی عملیات کلاسیک بود) باعث نشود دست از عملیات بردارند. رهبری معظم نیز چند قید مهم و اساسی به بخش خصوصی می‌زند: ابتدائاً از موضع «تعیین هدف»، رشد را به عدالت مقید کرده و می‌گویند برای این رشد مستمر و سریع، باید «پیشرفت همراه با عدالت» باشد.^۴ یعنی از یک سو، بخاطر فشارهای معیشتی و عقب‌افتادگی‌ها، کشور ما نیازمند به یک رشد سریع هست که در وضعیت فعلی، فقط می‌توان به بخش خصوصی تکیه کرد. اما همان‌طور که حضرت امام(ره) عملاً فضایی ایجاد کرد که ارتش خود را مشروط به توازن سخت‌افزاری نکند، ایشان نیز فعالیت اقتصادی برای رشد مستمر و سریع را مقید به عدالت می‌کند و نمی‌پذیرد که «رشد» به فاصله طبقاتی و تشکیل قله‌های ثروت مشروط شود.

همچنین ایشان از موضع «سیاست‌گذاری و اجرا» نیز سه قید مهم مطرح می‌کنند: اولین قید، این است که بخش خصوصی در کارهای بزرگ دست از رقابت بردارد و عرصه‌ی رقابت را از عرصه‌ی همکاری جدا کند.^۵ این قید، بسیار مهم است و اساساً خلاف ادبیات رایج علم اقتصاد در بخش خصوصی می‌باشد؛ زیرا پیشران بخش خصوصی، رقابت برای سود است. اما ایشان کارآفرینان را مقید کرده‌اند که رقابت را از همکاری جدا کنند و عرصه‌ی مهمی را برای همکاری در نظر بگیرند. قید دوم، توجه به شرکت‌های کوچک و متوسط از سوی بخش خصوصی است و در قید سوم، ضرورت توجه به تعاونی‌ها را مورد تأکید قرار می‌دهند.^۶

۵. پی‌گیری نظری و عملی برای تحقق این سه قید توسط نخبگان انقلابی، زمینه ایجاد ساختار مردمی برای تولید ثروت و پیشران تحقق شش سرفصل دیگر بیانیه

اگر در رفتار و گفتار و تبیین طیف انقلابی، به این چند قید توجه شود و لوازم نظری و عملی آن که موجب تفاوت‌های اساسی با بخش خصوصی رایج در دنیا می‌شود، پیگیری گردد، به تدریج فضای شکل‌گیری عقلانیت جدید در عرصه‌ی اقتصاد بوجود می‌آید. همان‌طور که در دوران دفاع مقدس، وقتی نیروهای مردمی بر این مساله تمرکز کردند که چگونه بدون محوریت بخشی به سخت‌افزار

۴. مقام معظم رهبری: «لذا برای همین است که ما در برنامه‌ی هفتم توسعه، اولویت اصلی برنامه را گذاشتیم پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت. مسئله‌ی عدالت هم مهم است؛ یعنی اگر چنانچه ما پیشرفت بدون عدالت داشته باشیم، در واقع پیشرفت نکرده‌ایم؛ پیشرفت باید همراه با عدالت باشد؛ البته ساز و کار دارد، راه دارد؛ این جور نیست که امکان‌پذیر نباشد، یک چیز معضل و مبهمی باشد؛ نه، راه کار وجود دارد» ۱۴۰۱/۱۱/۱۰.

۵. مقام معظم رهبری: «بنگاه‌های اقتصادی میان خود عرصه‌ی رقابت را از حوزه‌ی همکاری جدا کنند. بخش خصوصی، بخشی است که رقابت در آن وجود دارد و باید وجود داشته باشد؛ رقابت مثبت، پیش‌برنده است؛ اما این رقابت معنایش این نیست که در کارهای بزرگ، در اقدام‌های بزرگ، با هم همکاری و هم‌افزایی نکنند؛ بخصوص آنجایی که با مسائل اقتصادی خارج از کشور ارتباط پیدا می‌کند. بخش‌های مختلف خصوصی باید با هم همکاری و هم‌افزایی بکنند.» ۱۴۰۱/۱۱/۱۰.

۶. مقام معظم رهبری: «تذکر بعدی مربوط به شرکت‌های کوچک و متوسط است که من چند سال قبل از این، در سخنرانی اول سال بخصوص روی آن تأکید کردم. این شرکت‌های کوچک و متوسط، نقش زیادی در ایجاد اشتغال و در ایجاد ارزش افزوده برای کالاها دارند و می‌توانند کمک کنند؛ ما اینها را حتماً از نظر دور نداریم؛ هم دستگاه‌های دولتی به اینها توجه کنند، هم بنگاه‌های بزرگ در زنجیره‌ی تولید خودشان با اینها همکاری کنند و اینها را توسعه بدهند و به آنها کمک کنند. آخرین مسئله هم، مسئله‌ی تعاونی‌ها است. تعاونی‌های تولید می‌تواند یکی از گروه‌گشادترین کارها برای ایجاد اشتغال باشد؛ و بخصوص برای ایجاد عدالت اقتصادی در مجموعه‌ی کشور.» ۱۴۰۱/۱۱/۱۰.

نظامی، می‌توان سپاه صدام را زمین‌گیر کرد، به تدریج توانستند عملیات‌های جدید را طراحی نموده و نهاد ساختاریافته‌ی جدید سپاه را برای جنگ تحمیلی ایجاد کنند. امروز نیز در این جنگ اقتصادی، نیازمند شکل‌گیری نهاد مردمی و سپاه اقتصادی هستیم. البته نه بمعنای ساختاری و سازمانی امروز سپاه؛ بلکه بمعنای عقلانیتی که بتواند نشان دهد ساختار و مبنای بخش خصوصی رایج نمی‌تواند این قیود را رعایت کند، اما انگیزه‌های انقلابی و آرایش فعالیت‌های مردمی بر محور یک نقشه‌ی جامع، قادر است این قیود را محقق کند. اگر نخبگان و عناصر فعال انقلابی برای تحقق بیانیه‌ی گام دوم، این قیده‌های رهبری در بخش خصوصی را در نظر و عمل واضح‌تر و شفاف‌تر نمایند و بر تحقق آنها ایستادگی کنند، به تدریج، هم جریان استکبار در بخش خصوصی روشن می‌شود و هم نهاد ساختارمند و مردمی ایجاد خواهد شد که قدرت جایگزینی برای وضعیت فعلی بخش خصوصی را داراست. در این صورت است که رهبری معظم می‌تواند برای تولید ثروت و ایجاد استقلال و قدرت اقتصادی به آن تکیه کند.

در واقع پیگیری این قیده‌ها و تأکید بر آن‌ها و نشان دادن تفاوت آن‌ها با عملکرد رایج بخش خصوصی در سرفصل اقتصاد، شش سرفصل‌های دیگر بیانیه را نیز تأمین خواهد کرد. زیرا این تفاوت جدید، حتماً یک دانش جدید می‌خواهد که مرز دانش را تغییر می‌دهد. لذا قسمت «علم و پژوهش» (سرفصل اول گام دوم) روشن می‌کند که برای تأمین این چند قید، چه لوازم نظری و پژوهشی لازم است.

همچنین اگر این حرکت شکل بگیرد، با حضور بیشتر نهادهای مردمی، خطرات «فساد» ناشی از حاکمیت بخش خصوصی در تمام عرصه‌های کشور – که مورد نگرانی بسیاری از مردم و نخبگان انقلابی است – بر طرف شده و تا حدودی سرفصل دیگر گام دوم (یعنی عدالت و مبارزه با فساد) تأمین خواهد شد. البته با حل مشکلات معیشتی مردم، وضعیت سرفصل «معنویت و اخلاق» نیز بهبود خواهد یافت؛ زیرا – همان‌طور که رهبری در دیدار مسئولین سازمان تبلیغات فرمودند – اگر مشکلات اقتصادی مردم حل شود بخش بزرگی از شادابی و نشاط مردم حل خواهد شد.^۷ همچنین با شکل‌گیری فعالیت‌های مردمی و تعاونی در تولید ثروت، تدریجاً «سبک زندگی» جدیدی نیز رقم خواهد خورد. با پرهیز از وابستگی بخش خصوصی داخل به بخش خصوصی خارج و بازارهای جهانی که می‌خواهند انقلاب را در هاضمه‌ی خودشان هضم کنند، مسئله‌ی «استقلال» ما را نیز تأمین خواهد کرد. پس با این تحول اساسی در سرفصل اقتصاد، می‌توان تهدید جنگ اقتصادی را به بهترین فرصت برای تحقق شش سرفصل دیگر نیز تبدیل کرد. ان‌شاءالله به برکت خون شهدا بتوانیم با دقت و قوت این مسیر را پیگیری کنیم.

۷. مقام معظم رهبری: «البته اگر وضع اقتصاد و زندگی مردم بهتر شود شادابی و خشنودی آنها تا حدودی تأمین می‌شود» ۱۴۰۱/۱۰/۲۸.